

متن فارسی نوی آغازنی به خط سریانی

دو متن از ترخان

نیکلاس سیمز - ویلیامز
ترجمه: بهمنشکبا

چکیده: مجموعه بدست آمده از ترخان قطعاتی از دو نسخه خطی فارسی نو آغازنی به خط سریانی را در بر می گیرد. یکی از دستنویس ها زبور دو زبانه (سریانی و فارسی نو) و دیگری کتاب راهنمای داروشناختی است. دستنویس دوم نسخه هایی مشابه کتاب سریانی درباره پزشکی را، که ای. ائی. بادج (E. A. Budge) منتشر کرده است، شامل می شود. در هر دو متن مذکور، از نشانه هایی استفاده شده است که سریانی نیستند. برخی از این نشانه ها در نوشته های سغدی نیز به کار رفته و برخی، صرفاً برای نوشتن زبان فارسی به خط سریانی استفاده شده است. متن سریانی قطعات زبور از ترجمه پشیتا (peshitta) است. ترجمه این متن، برای فهم تلفظ واژه های زبان فارسی، اهمیت زیادی دارد. قطعات متن داروشناختی، علاوه بر واژه های عجیب و غیر معمول فراوان، نشانه های عددی نادر و مربوط به خط سریانی را، که برگرفته از آرامی باستان است، شامل می شود.

واژگان کلیدی: فارسی نوی آغازنی، خط سریانی، مجموعه ترخان، زبور سریانی، داروشناسی سریانی، نشانه های عددی سریانی

دو نسخه از زبور دو زبانه^۱

اولین بار، ف. و. ک. مولر (F. W. K. Müller) مجموعه ترخان را، که شامل زبور دو زبانه فارسی نو و سریانی است، در سال ۱۹۱۵ معرفی کرد. او قسمت بالایی نسخه مضاعف قطعه TII B 57 را تصحیح و منتشر کرد که اکنون در «موزه هنرهای آسیایی» (پیشتر موزه هنرهای هندی) در برلین با شماره MIKII/112 ثبت شده است. طی چند سال اخیر، قطعه دیگری از چند نسخه مضاعف را، [TII B 64 [NO.4] (شماره: SyrHT153)، و زوندرومان (W. Sundermann) در کتابخانه دولتی برلین غربی پیدا کرد. ضمیمه این قطعه نسخه دوم آن را، که اکنون گوشه پایینی اش از بین رفته است، کامل می کند. زوندرومان در مقاله خود، که در ۱۹۴۷ چاپ کرده، این نسخه را تصحیح نموده است. او کار مولر را مجدداً بررسی کرد و آن را با قطعه تازه کشف شده همراه کرد. زوندرومان اصلاحات و بازنگری های بسیار ارزشمندی روی دستنویس انجام داده است، اما

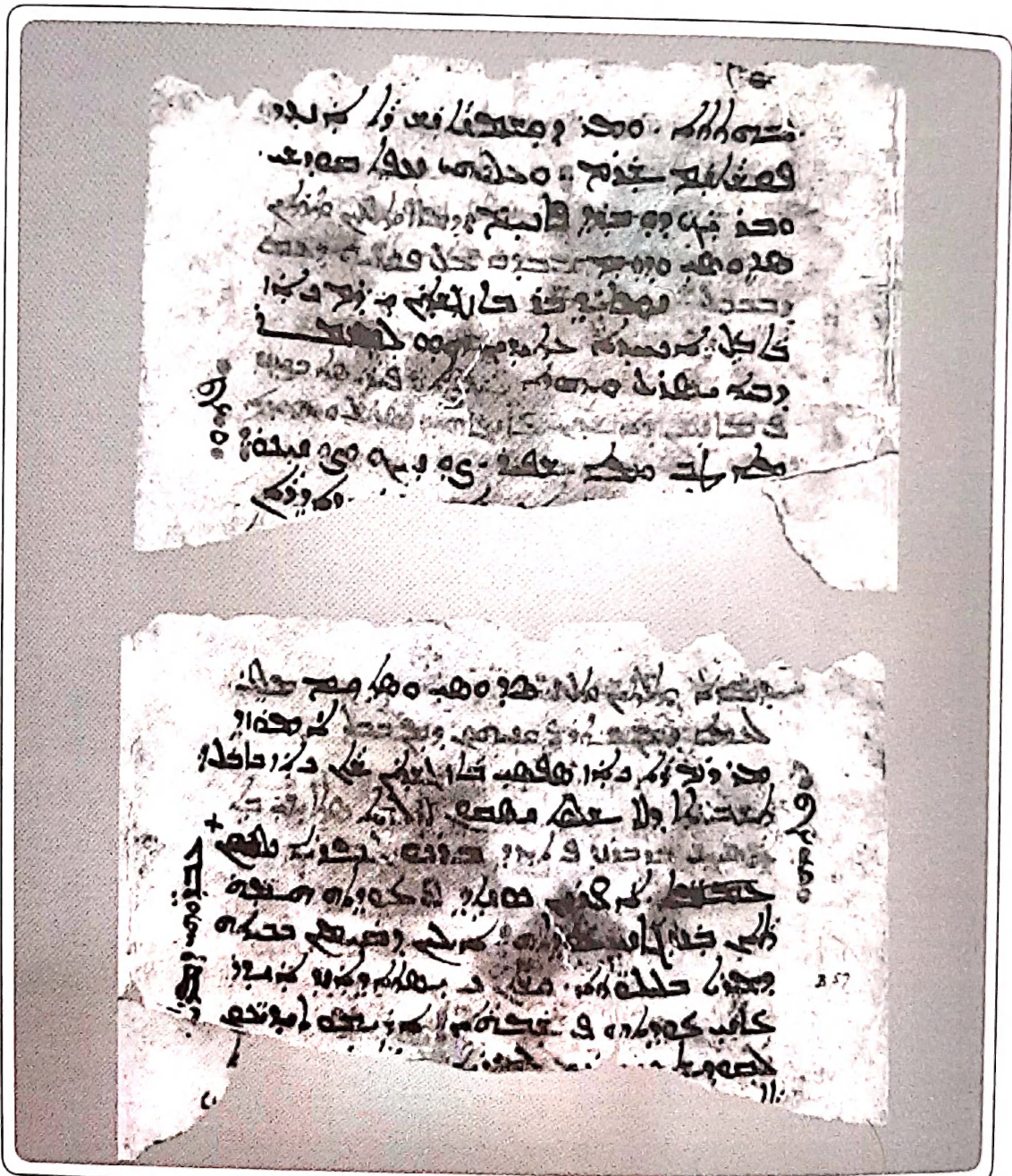
این مقاله ترجمه ای است از:
Sims-Williams, Nicholas 2011, "Early New Persian in Syriac script: Two texts from Turfan," Bulletin of the School of Oriental and African Studies, vol. 74, Issue 03, pp. 353-374.

یادداشت‌های اندکی روی نسخه اول، که مولر آن را کار کرده بود، نوشته است. علت این امر صرفاً این نیست که قطعه TIIB کمی از حاشیه داخلی این نسخه را به همراه بخشی از حروف ابتدای صفحه R10 و حروف پایانی صفحه 9-10 دربر می‌گیرد، بلکه بدین علت نیز هست که روش آوانویسی و حرف‌نویسی درهم مولر ترجمه متن را شدیداً سخت و دشوار ساخته است. به هر حال، بیشتر از آن جهت متأسفیم که تصحیح‌های بسیار مفیدی که زوندرمان روی نسخه دوم انجام داده، به علت اشکالات چاپی فراوان، ناخوانا شده است. به دلیل یکدستی متن و اهمیت آن در تاریخ زبان فارسی، پیشینه خط سریانی و سابقه کلیسای مسیحی در آسیای مرکزی، ویراستی جدید به همراه ترجمه‌ای کامل از متن را اینجا آورده‌ام.

نسخه مضاعف زبورهای ۱۸.۱۳۱-۱۳۲، ۱.۱۳۳-۳ و ۵.۱۴۶-۷.۱۴۷ را (بنابر شماره گذاری پشتینا) در بر می‌گیرد، در حالی که متن شماره و عنوان زبورهای ۱۳۲، ۱۳۳ و ۱۴۷ را شامل می‌شود.^۲ همه قسمت‌ها، به جز قوانین Mar Aba، با جوهر قرمز نوشته شده‌اند. عنوان‌های قرمز شماره مصرع‌ها (petgāme) در هر زبور و نیز آغاز marmitā جدید (تقسیمات فرعی زبور) را با زبور ۱۴۷ نشان می‌دهد.^۳ یادداشت‌هایی که در حاشیه‌ها نوشته شده است با یادداشت‌های زبوری که امروز در «کلیسای شرقی»^۴ به کار رفته است دقیقاً مطابقت دارد. متن فارسی به خط سریانی نوشته شده، در حالی که برخی از حروف غیر سریانی و علائم قراردادی نیز در آن به کار رفته است.^۵ برخی از این حروف و علائم قراردادی با حروفی که در متون سغدی به خط سریانی به کار رفته یکسان است. خصوصاً، کاربرد ^۶šadhe<c>، برای نشان دادن [č] و [j]، و حرف جدید [f] (تصحیح به پ) و <x> (تصحیح به کف)، برای نشان دادن [f] و [x]، دیده شده است. از آنجا که واج [ž] در فارسی نادر است، در این متن نیز هیچ واژه‌ای با حرف ž به کار نرفته است. بنابراین نبود حرف [ž] سغدی (تصحیح به زین) احتمالاً موردی تصادفی است. از سوی دیگر، حروف قف <q>، طث <ṭ> و <e> تنها در واژه‌های سریانی استفاده شده و در متن سغدی برای واج‌های [t]، [k] و [t] به کار نرفته در عوض، [k] با کف <K> و [t] با تاو نوشته شده و [y]، که به گمل تصحیح شده، اینجا [g] حرف نویسی شده است. همان‌طور که پیشتر و. ب. هنینگ (W. B. Henning) اشاره کرده است، تصحیح گمل فقط در کتیبه ترفانی شناخته شده، به زبان فارسی نو و خط سریانی دیده می‌شود یعنی همان کتیبه داروشناختی که ناقص باقی مانده و در بخش دوم این مقاله منتشر شده است.^۷ ظاهراً پیش از این حداقل در یک متن سغدی این واژه به کار رفته، اما اکنون متن گم شده و فقط با حرف نویسی اولاف هانسن (Olaf Hansen) به وجود آن پی می‌بریم.^۸ درباره واج‌های سایشی، [δ] با دلت سریانی و یک نقطه زائد در زیر آن (rukḱākā) نشان داده شده است.^۹ این درحالی است که [v] به بیث تصحیح شده و اینجا با <β> حرف نویسی شده است. این حرف، که متمایز از b است، پیش از این دیده نشده و ظاهراً فقط در کلمه بابل، که تلفظش به فارسی β^{۱۰}bl و β^{۱۱}bl (در کنار b^{۱۲}bl) بوده و واژه‌ای که به صورت bbl سریانی (املای سریانی متن دو زبانه) نوشته شده، دیده می‌شود و بدون تردید تلفظش [bävəl] یا [bävəl] بوده است.

همان‌طور که پیش از این زوندرمان اشاره کرده، حرف <ḥ> حث، در قسمت فارسی متن دو زبانه، برای حرف عربی ḥā (که فقط در ḥ^{۱۳}d [ḥad(d)] «حاشیه، لبه» دیده شده) به کار رفته است. احتمال می‌رود که حرف قف <q> برای [q] فارسی-عربی استفاده شده باشد. اما، در این مورد، فقط واژه sāq «ساق پا» را با حرف g، به صورت [sāg-hā] sgh^{۱۴} «ساق‌ها»، نوشته‌اند که احتمالاً بر واکبر کردن یا خنثی کردن جایگاه پایانی واژه دلالت دارد.^{۱۵} ویژگی برجسته این کتیبه، تلفظ نسبتاً دقیق، سیستم آوایی مشخص (حروف الف، وو، یوذ) و نقطه‌هایی است که در بالای واژه‌ها آمده است: [ā] با حرف (ʾ) الف نشان داده شده است و معمولاً با نشانه (ʾ) یا (ʿ) zqāpā همراه است. این در حالی است که حرف [ā] با (a) ptāh.ā نوشته می‌شود و در جایگاه آغازی با الف (ā) همراه است. [e^{۱۶}/ē] با (ʿ) zlmā qašyā، یا <y^{۱۷}/y> (به ندرت) بدون آن یا با الف (ʿ) / (ʿ) نشان داده شده است. همچنین، [i^{۱۸}/ī] با [y^{۱۹}] h.bās.ā در جایگاه آغازی همراه الف (y^{۲۰}) آمده، [ō/ō] با [w^{۲۱}] rwāh.ā و [ū/ū] با (w^{۲۲}) alāqā نشان داده شده است.^{۲۳} در همه موارد، نقطه‌ها اختیاری است و واکه‌های (الف، وو، یوذ)، هرگاه بلند بوده، در واژه نشان داده شده است.^{۲۴} در پایان، باید اشاره کنیم که کاربرد نقطه در بالای h- پایانی در واژه [hamah] hm^{۲۵}h «همه»، احتمالاً بر حفظ جایگاه هم‌خوان دلالت دارد.^{۲۶} همچنین، در واژه [mayān] my^{۲۷}n «میان» نقطه در بالای یوذ بر [y] همخوان اشاره دارد و در متون سغدی به خط سریانی نیز دیده شده است.

1. bhtt' wmr dw^ušmn^an^aš r^a 'andr
2. pwš^an^am š^arm * w^alwhy n^ap. qwdšy.
3. wbr y^ak dw^u bw^aδ p^aky'm * {red} dm^a wltyn wtrtyn
4. {black} sδ wsy^a wdw^uw^um {red} mbdq 'l pwnyh d'm
5. dbbbl * {black} nm^ay^aδ br b'zg^ašt^an y^a r^am k¹⁵ 'az
6. b^aβ^al * 'k^ahd^a 'tydyn hw^uw lm'mr
7. dbyt ysryl wyhwd^a {red} py^a kc^ay pyr^ast bw^uδnd
8. pm^any^ašn dšt^an x^ang^ahy^a [y]sryl wyhwd^a16
- 9 {black} m' tb wm' špyr. cw^u ny^ak wcu^u ny^akw^a *
- 10 (l)[h^a m](r)[d'm](r)[yn](k)[h](d)[*](mr)[](br)'δr^an^a17
- 11 [r^a](*)



تصویر la-b: زیور دو زبانه سریانی / فارسی نو (T II B 57 = MIK III/112 + TII B 64 [No. 4] = SyrHT 153): نسخه A، روی صفحه و پشت صفحه.

- نسخه I، پشت صفحه (تصویر 1b)
1. ¹⁸{red} dm" wltyn wltt * {black} sd wsy¹ ws²w³m {red} m-lp
 2. l'm' dmn btr pwnyhwn dmn bbl {black} 'amw²zδ
 3. mrrmr¹ k²z spsy¹ b²z gšt¹n š²n k²z b'βl *
 4. tšbh...t' dl' šlw' nsqwn l'lh' {red} st'y¹šy¹ b²
 5. ¹⁹s'y¹š br brnd p¹ y'zδ¹⁹ {black} brkw lmry' klkwn <'bdw¹hy dmry' >²⁰
 6. ¹⁹fry¹n kwun¹δ p xwδ¹h hm¹h
 7. t²¹n b²ndg¹nyi xwδ¹h * 'ylyn dāymyn bbyth
 8. dmry' blylwt. wš²n k y¹ st'δ²¹ 'and²² 'andr
 9. x'ny¹ xwδ¹h p š²bh¹ * 'rymw 'ydy¹kw
 10. lqwdš(' wbrkw) l(mr)y'[*b](r)[](')[w](r)[¹δ dst](h)'
 11. (t²¹)[n nbrk](k)

نسخه II، روی صفحه (تصویر 2)

1. wp¹dy¹w²ndst zw¹hrš * wl(y)t sk' lswklh.
2. wny¹ st cwmlgy¹ mr šn¹s¹y¹š r¹ * mrym
3. mry' lmsk¹n. bzu¹rg kw¹n¹δ xwδ¹h²³ mr
4. drwyēš¹n r¹ * wmmk¹k l'w¹l¹ 'dm' l'r¹.
5. wp¹ st kw¹n¹δ mr b¹yd¹dy¹ gr¹n t¹ zmyi *
6. <šbh¹w>²⁵ lmry' bšwbh¹. st'y¹š th¹δ mr
7. xwδ¹h²⁶ r¹ p st'y¹š * zmrw lmry' bknr¹.
8. sr¹ w¹δ mr xwδ¹h r¹ p ky¹ n¹rh¹ * dmks¹.
9. šmy' b'n¹n¹ k pw¹š¹n¹δ 'asm¹n r¹ p
10. 'ab(r)[h](¹) * yhb mtr¹ '27 'l' r¹.
11. th¹δ b'r¹n br zmy¹ * mw¹ 'myr' 'l
12. tw¹r¹. rw¹y¹n¹δ gy¹ br kw¹h¹ * yhb
13. lb¹yr¹ m'kwlt¹. th¹ δ mr stw¹r r¹ xw¹rdny¹ *
14. wlb¹n¹y n¹b' m'kwlt¹. wmr gw¹r¹g [b]cg¹n²⁸
15. [r](¹)[k](x)[w](¹)n¹and * l' čb' mry' bhylh
16. [ds¹wsy¹ * n]xw¹h¹δ xwd¹h p ny¹ rw¹ y¹ 'asp *
17. ['pl' bšqw]hy dgnbr' čb. n¹ny¹z p sgh¹y¹
18. [k¹]m¹δ * l' čb' mry' bdh¹lwhy.
19. [xwd](¹)h p t¹rs¹n¹δ²⁹ * wb'ylyn
20. [dmskyn lty b](w)th {red} dm" w'rb¹yn wšb¹ {black} sd
21. [wcyhyl whftw](m) {red} 'l' p¹y¹ 'ylyn d'st¹r lwt
22. ['m' dpnw mn bb](l) {black} (b)r¹ 'n cy¹ zh¹ k krdh bw¹δnd

تصویر ۲: زبور دو زبانہ سریانی /فارسی نو (SyrHT 153) [No. 4] TII B 64 + MIK III/112 = T II B 57)؛ نسخہ II روی صفحہ.

1. ³⁰ny¹zdy¹ rm k b'zgštnd31 ^az b'byl * wmw^d
2. mⁿ prcwphwn l'lh' ^hyd kl. ³²xwstwy¹ 33
3. {red} tha δ ^az rw^oyⁱ 'cš^an mr ^yzδ r^a d^arndh hm^ah
4. {black} šbh^y 'wršlm lmry'. st^ayⁱš d^e
5. 'wršlm p xwδ^h * wšbh^y l'lhky
6. chywn. wst^yš d^e p ^yzδt chywn * ml
7. d^ošⁿ mwk^l dtr^lyky. 'c^r k pny¹rw^o
8. k^ard pw^uštyb^anh^ayⁱ drh^at³⁴ * wbr k
9. lbnyky bgwky. w^afryin k^ard mr frzndⁿa^t
10. r^a ^andr m^yny¹ tw^u * s^am t^hwm^l(yky) bšlmⁱ
11. nh^aδ h^adh^at³⁵ p drw^oδ * wššwmnⁱ d(h)ⁱtⁱ
12. sbⁱky. wp c^arbwuy¹ g^andw^um sy^c r k^ard twr^a
13. sy^cr * mšdr mlth ^lr^o. fry¹st^aδ
14. sxw^u[n^a](š)³⁶ br zmyi * wb^gl r^htpt(g)mh[.]
15. wsbw^uk dw^a δ sxw^unaš * yhb [tlgⁱ 'yk]
16. 'mr. th^aδ b^arf cw^u pšm [* w^rplⁱ]
17. 'yk qtmⁱ mbdr. wmy^cg []
18. pr^agn^aδ * rmⁱ gly(d)³⁷ 'yk (p^o)[tⁱ *]
19. y^ax cw^u pšy¹st^ah^a * wq(d)[m 'ryh mnw]
20. mškh lmqm. wpy^cšy¹[]
21. tw^an^aδ p yist^aδn * m(š)[dr mlth wmpšr]
22. lhwn. fry¹st^ad sx[wun^aš]

نسخه II، پشت صفحه (تصویر ۳)



ترجمه

نسخه I، روی صفحه

(زبور ۱۳۱، ۱۸) ... شرم ... پس، دشمنانش را باید لباس شرم بپوشانم - و پاکی من باید بر او آشکار شود - و پاکی من باید افزون گردد. ۳۸ (زبور ۱۳۲) صد و سی و دو. صد و سی و دو. او باز گشت مردمی را که در بابل (بودند) آشکار میکند او باز گشت مردم از بابل را آشکار می کند. آن خانه های اسرائیل و یهودا برای اقامت کردن به اتفاق آماده شدند. (آن) خانه های اسرائیل و یهودا برای سکونت [شان] به اتفاق مهیا شدند. (۱) چه خوب و چه عالی (است) - چه خوب و چه عالی (است) - برای [برادران، و قتیکه] در کنار هم [اقامت گزینند] - برای برادران ...

نسخه I، پشت صفحه

(زبور ۱۳۳) صد و سی و سه. صد و سی و سه. پس از باز گشتشان از بابل، مردم را آموزش می دهد. پس از باز گشتشان از بابل مردم را آموزش می دهد. بی وقفه خدا را نیایش می کنند. بی وقفه خدا را نیایش می کنند. (۱) ستایش کنید خدا را، همه شما بندگان خدا - ستایش کنید خدا را، همه شما بندگان خدا - آن هایی که شبها در خانه خدا ایستادند - آن هایی که شبها در خانه خدا ایستادند. (۲) دستان خود را برای ستایش و تقدس به سوی خدا بر آرید - [بر آرید] دستانتان را [برای ستایش و تقدس به سوی خدا]. (۳) [باشد که ستایش خدا شما را ...]

نسخه II، روی صفحه

(زبور ۱۴۶، ۵) ... و نیرومند است قدرتش - و حدی برای دانایی او نیست - و برای دانش او مرزی نیست. (۶) خدا (جایگاه) درویشان را ارتقا می دهد. خدا درویشان را ارجمند می سازد. خدا گناهکاران را در زمین پست می کند - و آن هایی را که در زمین گناه می کنند پست می کند. (۷) بستایید خدا را با نیایش ها - خدا را ستایش کنید با نیایش - چنگ ها را برای خدا بنوازید - چنگ ها را برای خدا بنوازید (۸) خدایی که آسمان ها را با ابرها پوشانده است - خدایی که آسمان ها را با ابرها پوشانده است - باران را بر زمین بخشیده است. سبزه ها را بر کوه ها رویانده است. سبزه ها را بر کوه ها رویانده است. (۹) خوردنی را برای چهارپایان آفریده است. خوردنی را برای چهارپایان آفریده است - و برای کودکان کلاغ غذا را. ۳۹ و برای کودکان کلاغ [که] می خوانند. (۱۰) خدا از نیروی [اسب] خشنود نمی شود - خدا از نیروی اسب خشنود [نهی نمی شود]. و از پاهای دلاور خشنود نمی شود - و از پاهای [دلاور] خشنود نمی شود. (۱۱) بلکه خدا از کسانی خشنود می گردد که از او می ترسند - [بلکه خدا از کسانی که از او می ترسند و از کسانی که رحمتش را انتظار دارند [خشنود می گردد]. ۴۰ (زبور ۱۴۷) صد و چهل و هفت. صد و [چهل و هفت]. درباره آن (چیزهایی) که اتفاق افتاد برای مردمی که از بابل باز گشته اند. درباره آن کارها که انجام می دادند

نسخه II، پشت صفحه

درباره مردمی که از بابل باز گشته اند. و او خدا، دارنده همه چیزها، را در پیشگاهشان می ستاید او به خدا دارنده همه چیزها، در حضورشان اعتراف می کند. ۴۱ (۱) بستایید خدا را (ای مردم) اورشليم - پرستش کنید خدا را (ای مردم اورشليم). و بستایید خدایتان صیهون* (Zion) را. و پرستش کنید خدایتان صیهون را. (۲) زیرا او پستی های دروازه هایان را محکم ساخت. زیرا او پستی هایان را محکم ساخت. و او فرزندانان را در قلب هایان عزیز می دارد. و فرزندانان را در قلب هایان عزیز می دارد. (۳) او مرزهایان را در آرامش نهاد. او مرزهایان را در آرامش نهاد. و شما را با فراوانی گندم خشنود ساخت. ۴۲ (چهارم) او پیامش را بر زمین می فرستد. او پیامش را بر زمین می فرستد. و پیامش به سرعت اجرا می شود. و پیامش به سرعت اجرا می شود. (۵) او [برف را مانند] پشم آفریده است. او برف را مانند پشم آفریده است. و شما را با فراوانی گندم خشنود ساخت. ۴۳ (۶) او یخ را به صورت [تکه هایی] پراکنده ساخته است. و مه ۴۳ را [مانند خاکستر] پراکنده است. [چه کسی] می تواند در برابر [استادگی] کند؟ و [چه کسی] می تواند در برابر [سرمایش] [استادگی] کند؟ (۷) او اکلامش را و گراما را [برای آن ها] می فرستد. او پیامش را می فرستد ...

نوی فارسی آغازی به خط سریانی: متن از توفان

(۲) دو نسخه از متن دارو شناختی^{۴۴} M7340 (تویوق) قطعه‌ای تقریباً مربع شکل است. یکی از گوشه‌های پایینی نسخه دارای چین خوردگی‌های متقارن و پارگی‌هایی است که نشان می‌دهد پیشتر، به صورت افقی و عمودی، تا خورده بوده است. هیچ خطی کامل باقی نمانده است تا بتوانیم خطوطی را که حداقل پاره‌ای از آن‌ها را تصحیح کرده‌ایم تشخیص دهیم. بیش از دو سوم پهنای صفحه اصلی، از هر طرف، باقی مانده و اکثر متن با جوهر قرمز نوشته شده است. نسخه M7340 نوشته‌ای مانوی است، اما مری بویس، در کاتالوگ متن ترفانی، به درستی آن را شده است. نسخه «فارسی نو به خط سریانی» معرفی کرده است، در حالی که، بنابر تشخیص هنینگ، این قطعه متنی متنی^{۴۵} دارو شناختی است و از انواع مرهم‌ها/روغن‌ها صحبت می‌کند.

از آنجا که پشت و روی صفحه با قطعیت خوانده نمی‌شود، اینجا دو طرف قطعه با حروف A و B معرفی شده است. قسمت B تا حدی تا خورده و بخش‌هایی به علت اثر جوهر، که از نسخه دیگر باقی مانده، مبهم است. دو خط اول این قسمت با جوهر سیاه نوشته شده و احتمالاً عنوان این بخش بوده است. باقی متن شامل دستورالعمل‌هایی برای سه نوع مرهم/روغن دارویی (rōyn) است که نامشان «مرهم/روغن رویین» (rōyēni)، «مرهم/روغن خربزه» (xarbūz) و «مرهم/روغن پوست شتر» (šāyaδ ...-rā) «مناسب است برای...» می‌دهد. هر یک از این نام‌ها، در خطی جداگانه در وسط صفحه (Ab, A14, B3)، نوشته شده و با جوهر سیاه در حاشیه‌های کناری تکرار شده است. هر دستورالعمل با پاراگرافی (A7, A15-16, B4-7) شروع می‌شود و ویژگی‌های دارویی را که برای آن مؤثر است، فهرست کرده است: عبارت «[] judābī-tar...» «[آن را] خشک‌تر در صفحه B4-7 به خوبی باقی مانده است. مطلب در خطی جدید (روشن است که قسمت آخر متن A7 بدون نوشته باقی مانده است) به همراه فهرستی از ترکیبات و مقادیر ادامه می‌یابد. واژه آخر zwz** «روز (واحد اندازه‌گیری)» با دستورالعمل ضمنی برای تهیه ترکیبات بیان می‌شود: «[] judābī-tar...» «[آن را] خشک‌تر [کنید]» (B10). اگرچه بخش ناچیزی از متن باقی مانده است، ساختار قاعده‌مند و طرح منظم آن، تشخیص مفهوم کلی آن را نسبتاً آسان می‌سازد؛ مثلاً، اینکه کدام کلمات نام بیماری‌اند و کدام کلمات ترکیبات هستند قابل تشخیص است.

نسخه دیگری از این نوشته را مجموعه‌ای در بردارنده سه نسخه کوچک (T II B 14 [b], T II B 69, T II B 69) در بر می‌گیرد که در اندازه نامنظم با شماره ردیف n175 به هم متصل شده‌اند. اندازه قطعه، خصوصاً پارگی‌های آن، احتمالاً بیان‌کننده این است که گاهی با قطعه M7350 همراه بوده و تا خورده است. نشانه‌های به کار رفته در آنها نشان می‌دهد که یکی از تویوق و دیگری از بولاییق یافت شده است. بازهم، ترتیب به کار رفته نامشخص است: از این رو اینجا، با حروف D و C مشخص شده و در این مورد، متن کاملاً با جوهر سیاه نوشته شده است. فقط تعداد بسیار کمی از نقطه‌گذاری‌ها با جوهر قرمز گذاشته شده‌اند. متأسفانه فقط یک یا دو واژه از هر خط باقی مانده است، ولی ساختار کلی متن ظاهراً شبیه به M7340 است. عنوان به کار رفته در وسط خط ۱۱ احتمالاً نوع خاصی از حب اقرص (gōli) است پس از آن بلافاصله عبارت šāyaδ... «مناسب است (برای) ...» در 12D آمده است. نسخه مشابه آن در C15 دیده می‌شود. جای خالی پایان متن اشاره به عنوانی دارد که در وسط قرار می‌گیرد. بر اساس M7340، بخش اعظمی از متن باقی مانده شامل فهرستی از ترکیبات و مقادیر است. در D5 بار دیگر، واحد اندازه‌گیری stēr*** استر به جای zwz روز آمده است. تعداد بسیار کمی از فعل‌ها، مانند barāmēz «بیمیز» در D8 به کار رفته که بخشی از دستورالعمل تهیه دارو را شامل می‌شود.

این نوشته تنوع زبان شناختی چشم‌گیری را نشان می‌دهد؛ متن به زبان فارسی است و بخش زیادی از واژه‌های آن نیز فارسی است (اما واژه‌هایی با اصل عربی نیز در آن دیده می‌شود). کلماتی که دارای اصل بیگانه‌اند، عمدتاً برای تعدادی از گیاهان و دیگر ترکیبات استفاده شده‌اند. اما، گاهی واژه‌های سریانی به جای معادل فارسی آن‌ها، بدون دلیلی مشخص، به کار رفته است. نمونه‌ها شامل hmr «شراب» (D10) و knšmy «ورم» (B1*, B4) و نیز اعداد است که در زیر بدان‌ها اشاره می‌شود. نفوذ زبان سغدی نیز احتمالاً در واژه‌های gāw-rōyan (A4) یا yām-rōyan (A5) «کره» دیده می‌شود، در حالی که واژه فارسی معادل آن rōyan-i gāw^{۴۶} است. صورت فعل buwā «باشدی» (D2, D9) نیز ظاهراً دارای اصل پارتی است.





متن حاضر، در موضوعات متعدد، به شیوه نسخه‌نویسی یا دستورالعمل دارویی اولین بخش از کتاب پزشکی سریانی، که بادج (Budge) (۱۹۱۳) آن را منتشر کرده است، شباهت دارد. متن با سخن یک یا چند بیمار، که برای آن‌ها دارویی مناسب (hšh «مناسب است») است، عموماً آغاز شده و فهرستی از ترکیبات و مقادیر، نه تنها با زوز (zwz, zwz؛ جمع: zwz, zwz) بلکه با اونس (wn) و (sty) استرها، اندازه‌گیری شده است و همراه نسخه تهیه دارو در ذیل آن آمده است. در متن به ترکیباتی مانند رازیانه، زنجبیل، شیرین بیان، فلفل و (مرهم/روغن) سنبل هندی اشاره شده است.

ویژگی جالب توجه دستنویس بادج (Budge)، کاربرد قاعده‌مند نشانه‌های عددی آرامی باستان در آن است.^{۴۷} در متن مورد نظر اعداد با واژه‌های سریانی (sr:10, 'sryn^{۴۸}: 20, h. mšt'sr:15, št'sr:16, 'rb'm': 400) یا با واژه‌های فارسی نوشته شده است. با وجود این، همانطور که سباستین براک (Sebastian Brock) یادآوری کرده است، «نشانه‌های عددی حداقل یک‌بار، در خط C11 به صورت: 3... 3... 3... yz... yz... «هر یک سه (زوز)» نوشته شده است که دقیقاً با نوشته بادج (Budge) مطابقت می‌کند. در این باره باید اشاره کنیم که عدد «۵» که شبیه به حرف 'e' نوشته می‌شود، احتمالاً در TIIBIV No.4 (ردیف: SyrHT I) نیز وجود داشته است. قطعه داروشناختی سریانی را، که از بولاییق به دست آمده، میکولوس ماروئ (Miklós Maróth) سال ۱۹۸۴ منتشر کرده است. در خط نه این متن نسخه‌ای برای پیش‌گیری از رشد موهای زاید داده شده است که با کلمات 'dktn' b'wrq' t' swr prh dwd' آغاز می‌شود، من آن را اینگونه فهمیده‌ام: «پنج خفاش را در پارچه‌ای کتان بپیچید».^{۴۹}

املای این قطعه‌های داروشناختی، در بسیاری جهات، مانند املای زبور دو زبانه است، خصوصاً اینکه می‌توان کاربرد <şadhe> را، برای نشان دادن [č] و [j]، تشخیص داد و وجود حروف غیرسریانی <β> <g> را (حرف β فقط در C6، در یک واژه ناقص آمده است) نیز مشاهده کرد. از سوی دیگر، [δ] همواره با d و نه با [δ] نشان داده می‌شود. حروف حث <h> و <e> ' فقط در واژه‌های سریانی مشاهده شده‌اند. اما، قف <q>، همان طور که انتظار می‌رود، برای q فارسی-عربی در واژه‌های مانند [qaulan] qwlnc «قولنج»^{۵۰} به کار رفته است.

این متن خیلی کمتر از متن زبور آوایی است، اگرچه اصول کلی همان است. [ā] درون واژه اصلاً با الف نشان داده نشده، اما گاهی، در zqāpā^(۵۱) و خصوصاً در واژه g^{۵۲}w [gāw] «گاو» به کار رفته یا اینکه بر اساس هجای پایانی در واژه k^{۵۳}a 'hš-grftgn [kāhiš-griftagān] «آنچه بر اثر مصرف کاهش می‌یابد» و spndn [spandān] «خردل» بدون نشانه باقی مانده است. در زبور، [ē] را، باتوجه به ترکیب qašyā zlāma و [sezdah] sezdah «۱۳» می‌توان برای الف (e) نشان داد. اما احتمالاً نقطه‌ها در اینجا حذف شده است. بنابراین ممکن است الف صرفاً بیان‌کننده [ē] باشد و واژه rwy 'ny (در B3 و حاشیه آن) احتمالاً [rōyēnī] «رویین(۲)»^{۵۱} خوانده شود. باید اشاره کنیم -[kē] «چه کسی» به واژه بعدی خود وصل می‌شود. [-i] اضافه همواره به واژه قبلی خود متصل می‌شود؛ درست بر خلاف زبور که در آن k همیشه و معمولاً جداگانه نوشته می‌شود.

متن

سمت A^{۵۲}

فقط نشانه‌هایی دیده شد^۱

2 [.. wqdr^{۵۳} .. wpylpl (..) spndny ...]

3 [] *m'rg .. wswn'q .. wsyr ..

4 [] ry g^{۵۴}w .. ch'r .. ch'r .. zwz .. gwrwgn ..

5 [*].

6 [*] (r)wgnx^{۵۵}rbwz *.

7 [šyd --] (r'w)tbhr' *.

8 [] ('rb'm' zwz * g^{۵۶}wrwgn^{۵۵} ..

9 [] min^{۵۶} * qndy xwzy



- 10 [](r) .. wqyrfh .. wšdy
11 [](') .. hšt .. hšt .. (z)wz(..)
12 [](.) wzncbyl (..) št'sr ..
13 [št'sr .. z]wz *.
14 ⁵⁷ [](r)wğny cmlfrš *.
15 [š'yd --r'] * wdrdy phlwh³r' * wk³hš grft-
16 -gnr' (..)

- 1 (knšmy'r' --)cr'⁵⁹ my⁶lycr'⁶⁰ drd(y nym)[sr?]
2 (r' w----)[r]('). []
3⁶¹ * rwğny rwy'ny * []
4 š'yd * knšm(y)'r' * wqwl(nc)r' [*]
5 (wdrd)y⁶² pywn(d)hr' * w(dr)[dy --r' *]
6 w'(y)š'nr' * k(š)km g[rft(?) * w'yš'nr']
7 (kbwd) * (•b•)gm * []
8 twrp(l) .. t(r)ywš(n) .. (')[]
9 k'(m)y wsgbyn .. h(z'r .)[]
10 cd'by tr .. ••'(y'y) (.) sws .. []
11 (h)m(š)t(')s(r .. ----)[]
12 (--n)k .. d(st)h .. 'lb• .. '(s)[r'⁶³ *]

سمت B

- 1 [](x)wš .. b'[]
2 []y .. šwsth[]
3 [](y) .. gwly .. frz[]
4 []w'ny trym'n []
5 []dr'ws .. ss'l'w[s]
6 z](wz) .. twxmy 'aβ[](g)[](c)[]
7 []swmbl .. wg[]
8 tw]xmy b^astwl'k ..
9 [](y) .. slyxh .. 100(?) ..
10 []w'nyswn ..
11 []• .. 3 (..) 3 .. zwz ..
12 []• [](b)wdy bls'n ..
13 []sy zwz ..
14 zw]z ..
15 [* gwly(?) *]
16 [š'yd](r') *

سمت C

- 1 z]wz .. wnym .. []
2 []wzy bw' .. []
3 []dry .. tryn g[]
4 []nyk .. byst •[]
5 [](d) .. s^ezd^ah st^eyr[]
6 []• .. wbwe[y](d)[⁶⁴]
7 (w•n)ydr' ba(d')[]
8 wbr'myz b(^a)' []
9 fndq .. wbw^a(')[]

سمت D

- 10 wlmr' .. spyld
 11 . gw(l)ly
 12 s'yd x(r')ch'r?
 13 wswl
 14 plpll
 15 xwlngl'n
 16 l)(swq)l^{ex}



ترجمه

سمت A

(ترکیبات: ...) و qadar (نوعی از ترکیبات)، و فلفل و خردل از... و swng (نوعی از ترکیبات) و سیر، [ا]
 ... گاو؛ هر یک چهار زوز؛ کره...

مرهم/ روغن خربزه

(اثر:) مناسب برای... و تب (انواع تب).

(ترکیبات: ...) چهارصد زوز؛ کره، ... قند خوزی، ... و دارچین و مرهم/ روغن سنبل هندی (؟) ... هر یک
 هشت زوز؛ ... و زنجبیل: شانزده زوز اهریک.

مرهم/ روغن پوست شتر (؟)

(اثر:) مناسب برای... و برای درد پهلوها، و برای آنهایی که به بیماری سل دچارند.

سمت B

برای ورم، [قولنج] (؟) برای my'lyc (نوعی بیماری)، و برای سردرد (؟) و برای ...

مرهم/ روغن رویین (؟)

(اثر:) مناسب برای ورم، و برای قولنج، و برای درد مفاصل، و [برای] درد (؟)

[در... و برای آن‌ها که دچار یبوست هستند]، او برای آن‌ها که...^{۶۶}

(ترکیبات:) twrpl نوعی غله که در شرق هند می‌روید و دارای خواص ملین است

trywšn ... k'my و sgbyn (= صمغی بدبو از گونه خاصی گیاه که در درمان تشنج استفاده می‌شود): هزار
 ازوز هریک؛ [بسازید] خشک‌تر... شیرین بیان، ... پانزده [زوز]؛ ... یک مشت؛ ... ده (؟) [زوز]...

سمت C

(ترکیبات:)... شسته... گل...^{۶۷} و آن^{۶۸} گیاهان دیگر... ss'l'ws (گیاهی علفی) ... زوز، دانه های ... مرهم/ روغن

سنبل هندی، و ... دانه‌های (؟) bastwl'k (نوعی گیاه؟) ... slyxh، (= صمغ گیاهی خوشبو که برای بخور

استفاده می‌شود): صد (؟) [زوز]؛ ... و رازیانه، ... سه زوز هر کدام؛ ... از بلسان (ماده صمغی خوشبویی که از

گیاه خارج می‌شود)؛ ... سی زوز؛ ... زوز (؟)

[... حب/ قرص؟]

(اثر:) مناسب برای... و [برای]...

سمت D

(ترکیبات:)... زوز و نیم ... بگذارید باشد... نمناک... خوب... بیست [زوز]؛ ... سیزده استر ... و شما باید (؟) باشید

و (؟) ... و ... بیامیزید (آن را) با...، فندوق و بگذارید باشد... و شراب... سپید (؟)...

حب/ قرص-

(اثر:) مناسب [برای] کورک (؟)...

(ترکیبات:)... و... فلفل و xwlng'n (= گیاهی که در آسیای شرقی می‌روید، دارای ریشه‌های خوشبو است

و دارای خاصیتی دارویی است و به عنوان چاشنی نیز به کار می‌رود).

$$1 \text{ stater} = 14.8 \text{ gr} = 0.189 \text{ oz}$$

$$2 \text{ gr} = 0.072 \text{ oz}$$

پس نوشت

* کوه صیهون مکانی است که در آن یهوه، خدای اسرائیل، سکونت دارد.

English:drams :وز (واحد اندازه گیری)، تقریباً برابر ۳/۸۸ گرم

English:stater :ستر (واحد اندازه گیری)، احتمالاً برابر ۴۲۵ گرم (۹)

English:ounce :اونس (واحد اندازه گیری)، تقریباً برابر ۳۰ گرم

نمایه:

صفحات زبور با نشانه‌های IV, Ir, IV, Ir و صفحات قطعات داروشناختی به صورت A, B, C و D ذکر شده‌اند. نمایه واژه‌هایی را که در متن سریانی زبور به کار رفته است شامل نمی‌شود. هیچ گونه آوانویسی برای واژه‌ها و نام‌هایی که با املاي سریانی‌شان نوشته شده‌اند داده نشده است.

*Ir10 "ابرها" [abr-hā] 'brh'

*C6 ? (نوعی گیاه) [β.g]

Iv6, Iv9 "دعا، ستایش" [āfrīn] 'fryin

*B12 (نوعی ترکیبات) [b]

Iv2 "آموزش می‌دهد، می‌آموزد" [āmōzaδ] 'mwzδ

'myz: → br 'myz

'n, 'n [ān] "آن" Ir22, C4

'nd: → y'st'δ 'nd

'ndr [andar] "در، اندر" Iv8, Ilv10 نک. بعدی

'ndr pws'ā'n [andar pōšānam] "پوشانم" Ir1-2

'nyswn [anīsūn] "رازیانه" C10

'r' [ē-rā] "به این دلیل، زیرا" Ilv7

'rb'm "400" A8. سریانی.

's'y's [āsāyīš] "وقفه" Iv5

'sm'ā'n [āsmān] "آسمان" Ir9

'sp [asp] "اسب" Ir16

'spyd [ispēδ] "سپید" D10 (?).

's'ā'n, 'y's'n [ēšān] "آن‌ها" Ilv3, B6. Cf. w's'ā'n.

'wr'eδ: → br 'wr'eδ

'wršlm "اورشلیم" Ilv5. صورت سریانی آن.

'y's'n: → 's'ā'n

'y'zδ [īzaδ] "ایزد، خدا" Iv5, Ilv3, Ilv6

'z [az] "از" Ir5, Iv3, Ilv1, Ilv3.

'z sps-y' [az spas-i] "پس از" Iv3. Sundermann 1974: 448.

'[B8*

'sr' "t'n" or 'sryn "بیست" B12. سریانی.

b' [bā] "با" D8

b' [bē] "بدون" Iv4

b'β'l, b'βl, b'byl [bāvel] "بابل" Ir6, Iv3, Ilv1. Cf. Sundermann 1974: 449.

b'r'n [bārān] "باران" Ir11

b'zg'st'n, b'z g'st'n [bāz-gaštan] "بازگشتن" Ir5, Iv3

b'zg'st'nd [bāz-gašt-and] "بازگشتند" Ilv1

b' C1

bcg'n] baččagān "بچه‌ها" Ilr14*

bls'n [balsān] "مرهم / بلسان جلعاد" C12. → Maggi 2003: 120–22.

bandg'n [bandagān] "بندگان" Iv7

br [bar] "بر" Ir3, Ir5, Iv5, Ilr11, Ilr12, Ilr22*, Ilv14. → br'myz, br'wr'δ, br brnd.

br'δr'n [brāδarān] "برادران" Ir10*

br'myz [bar āmēz] "بیامیز" (2 sg. impv.) D8

br'wr'δ [bar āwarēδ] "برآورید" (2 pl. impv.) Iv10*

br brnd [bar barand] "برند" Iv5

b'rf [barf] "برف" Ilv16

brnd: → br brnd

b'stwl'k (نوعی گیاه؟) C8

bw, bw' [buwā] "بگذارید باشد" D2, D9 3 sg. subj. → Salemann 1895: 24 (no. 230); Wolff 1935: 155.

bw'δ, bwd(?) [buwaδ] "باشد، شود" Ir3, B7*

bw'δnd [būδ-and] "بودند" Ir7, Ilr22

bw'yd [buwēδ] "باش" D6*(?) (a 2 pl.) indic. or impv.

b'yδ'δy' gr'n [bēdāδī-garān] "خطاکاران، گناهکاران" Ilr5

byst [bīst] "20" D4

bzw'rg [buzurg] "بزرگ" Ilr3

c'y [jāy] "جای" Ir7

cd'by-tr] judābī-tar "خشک‌تر" [B10.

ch'r [čahār] "چهار" A4 (x2)

chywn "صیھون" Ilv6. صورت سریانی.

cmlfrš [jamal-firāš] "پوست شتر" (?) A14, A14m

c'rbw [čarbū] "چربی، فراوانی" Ilv12

cw [ču] "چو، چه" Ir9 (x2), Ilv16, Ilv19

cwmlgyi [jumlagi] "جملگی" Ilr2. → Benveniste 1938: 461–2; Sundermann 1974: 445 n. 33.

cy'zh' [čiz-hā] "چیزها" Ilr22

de' [dē] "بده" (2 sg. impv.) Ilv4, Ilv6. Cf. th'δ, th'δ.

d'rndh [dārandah] "دارنده" Ilv3

dštan [dāštan] "داشتن" Ir8

drd [dard] "درد" A15, B1, B5 *(x2)

dri' [dar-hā] "دروازه‌ها، درها" Ilv8

drwy's'n [darwēšān] "درویشان" Ilr4

drw'δ [drōδ] "دروود" Ilv11

dsth [dastah] "مشت" B12*

dsth' [dast-hā] "دست‌ها" Iv10*

dw [du] "دو" Ir3

dw'δ [dawaδ] "اجرا می‌شود" Ilv15

dw'smn'n [dušmanān] "دشمنان" Ir1

dw'w'm [duwum] "دوم" Ir4

fdq [funduq] "فندوق" D9



- fry'st^aδ, fry'st^ad [fristaδ] "فرستد" Ilv13, Ilv22
 frznd'n [farzandān] "فرزندان" Ilv9
 frz[(نوعی گیاه؟) C3
 g^andw^m [gandum] "گندوم" Ilv12
 grfth, grftgn:→ škm-grfth, k^ahšgrftgn
 g^aw [gāw] "گاو" A4.→ gwrwğn, ġāwrrwğn.
 gwl [gul] "گل" C3(?)
 gwly [gōli] "حب اقرص" D11
 gw^ar'ğ [gurāy] "کلاغ" Ilr14 → Sundermann 1974: 445 n. 36.
 gwrwğn, ġ^awrrwğn [gāw-rōyan, yāw-rōyan] "روغن، کره" A4, A8. Cf. g^aw, rwğn.
 gyā' [giyā] "گیاه" Ilr12
 g[D3, C7
 hftwm [haftum] "هفتم" Ilr21*
 hm^ah, hm^ah [hamah] "همه" Iv6, Ilv3
 hšt [hašt] "هشت" A11) x2)
 hz'r [hazār] "1000" B9*
 h^adh^a [ħad(d)-hā] "مرزها، حدها" Ilv11
 hmr' "سریانی. D10. شراب"
 hmr'st' "15" B11. سریانی.
 k k -[ke] "کدام، چه کسی، که" Ir5, Iv3 (x2), Iv8, Ilr9, Ilr15, Ilr22, Ilv1, Ilv7, B6, B7.*
 k^ahš-grftgn [kāhiš-griftagān] "کاهش گرفتن"
 A15-16
 k'm^aδ [kām^aδ] "خشنود می شود" Ilr18*
 k'my [kāmī?] (نوعی از ترکیبات؟) B9
 knšmy "تجمع آب، ورم" knāš-mayye, lit. "ورم" B1*, B4.
 k^ard [kard] "کرد، ساخت" Ilv8, Ilv9, Ilv12
 krdh [kardah] "انجام می دادند" Ilr22
 kw^ah^a [kō(h)-hā] "کوهها" Ilr12
 kw^an^aδ [kunēδ] "کنید" 2 pl. impv. (Iv6
 kw^an^aδ [kunaδ] "کند" Ilr3, Ilr5
 ky^an^arh^a [kēnār-hā] "چنگها" Ilr8
 -m [-m] (1 sg. encl. pron.) Ir3
 m'nyišn [māniš(n)] "سکونت، اقامت" Ir8.→ Benveniste 1938: 459.
 mr [mar] (شناسه مفعولی) Ilr5.→ Benveniste 1938: 459-61.
 mr ... r^a [mar ... rā] (شناسه مفعولی) Ir1, Ir10-11*, Iv3, Ilr2, Ilr3-4, Ilr6-7, Ilr8, Ilr13, Ilr14-15*, Ilv3, Ilv9-10
 m'y'n [mayān] "میان" Ilv10
 my^ağ [mēy] "مه" Ilv17
 my^alyc (نوعی بیماری؟) B1*
 n^a -[na-] "نه" Ilr17
 nh^aδ [nihāδ] "نهاد" Ilv11nm'y^aδ [nimāyaδ] "فاش می کند، آشکار می سازد، می نماید" Ir5

ny^k nyk [nēk] "نیک، خوب" Ir9, D4
 ny^kw [nikō] "نیکو، عالی" Ir9
 nym [nīm] "نیم" D1..
 nym-sr [nīm-sar] "سر درد" B1*(?)
 ny^rw [nīrō] "قدرت، استحکام، نیرو" Ilr16, Ilv7
 ny^st [nēst] "نیست" Ilr2
 ny^z [nīz] "نیز" Ilr17
 ny^zd-yⁱ [nīzd-i] "در ارتباط با، درباره" Ilv1.
 p, p- [pe] "در، به، با" Ir7, Ir8, Iv5, Iv6, Iv9, Ilr7, Ilr8, Ilr9, Ilr16, Ilr17, Ilr19, Ilv5, Ilv6, Ilv7, Ilv11, Ilv12, Ilv21
 p^δy^wwand [pādyāwand] "نیرومند" Ilr1. Cf. Pahlavi p'tyd'wnd, JP p'dywnd (MacKenzie 1968: 251).
 p^kyⁱ [pāki] "پاکی" Ir3
 phlwhⁱ [pahlū-hā] "پهلوها" A15
 plpl → pylpl
 pr^gn^δ [parāganaδ] "پراکند" Ilv18
 past [past] "پست، فرومایه" Ilr5
 pšm [pašm] "پشم" Ilv16
 pšy^sthⁱ [pašista(h)-hā] "تکه‌ها" Ilv19 Sims-Williams 1985: 59.
 pw^sn^δ [pōšānaδ] "پوشاند" Ilr9
 pw^sn^m → ^andr pw^sn^m
 pw^stybⁿhⁱ [puštebān-hā] "پشتیبان‌های (دروازه‌ها)" Ilv8.
 pylpl, plpl [pilpil] "فلفل" A2, D14
 pyr^tst [payrāst] "مهیّا ساخت، آماده کرد" Ir7
 py^s-yⁱ [pēš-i] "پیش از" Ilv20
 pywndh- [paywand-hā] "مفاصل" B5
 qdr [qadar?] (نوعی از ترکیبات) A2
 qnd [qand] "قند" A9
 qwlnc [qaulan] "قولنج" B4
 qyrth [qirfa] "نوعی دارچین" A10
 rⁱ, -rⁱ, -rⁱ [rā] "به" برای" Ilr9, Ilv12, A7*, A7, A15, A16, B1*, B1 (x2), B2 * (x2), B4 (x2), B5, B6, C16* .ērā, mr ... rā.
 r^m, rm [ram] "مردم" Ir5, Iv3, Ilv1
 rw^o [rō] "روی" Ilv3
 rwgn [rōyan] "روغن / مرهم" A6, A6m, A14, A14m, B3, B3m. Cf. → gwrwgn, gāwrwgn.
 rw^yn^δ [rōyānaδ] "رویاند" Ilr12
 rwyⁿy [rōyēnī] "رویین، برنجی" B3, B3m
 s^d [sād] (نوعی از ترکیبات) A10.
 s^{gh} [sāg-hā] "ساق‌ها" Ilr17
 s^wm [sewum] "سوم" Iv1
 s^zd^h [sēzdah] "D5" 13
 sbw^k [sabuk] "سبک، سریع" Ilv15



sδ, sd [saδ] "صد" Ir4, Iv1, IIR20

sgbyn [sagbīn] "صمغی بدبو از گونه خاصی گیاه که در درمان تشنج استفاده می‌شود" B9

slyxh [salixah] "صمغ گیاهی خوشبو که برای بخور استفاده می‌شود" C9

spndn [spandān] "خردل" A2

sps-y^l → ^zz sps-y^l

sr^lw^lδ [srāwēδ] "بنوازید، بسرایید" (2 pl. impv.) IIR8

ss^ll^lws "نوعی گیاه علفی" C5* sasāliiyūs. فارسی. صورت سریانی

-st [ast] "هست" IIR1. → ny^est.

st^ly^lš, → st^a

y^lš [stāyīš] "ستایش" Iv4, IIR6, IIR7, IIV4, IIV6

stw^or [stōr] "ستور" IIR13

st^eyr [stēr] "استر (واحد اندازه‌گیری)" D5

swmbl [sumbul] "سنبل هندی، روغن یا مرهم معطر" C7

swnq (نوعی از ترکیبات) A3

sws [sūs] "شیرین بیان" B10

sw[D13

sxwⁿ [saxun] "سخن" IIV14*, IIV15, IIV22*

syⁱ, sy [sī] "سی" Ir4, Iv1, C13(?)

sy^r [sīr] "سیر" A3

sy^er [sēr] "راضی، خشنود" IIV12, IIV13

-š, -^aš [-š, -aš] (3 sg. encl. pron.) Ir1, IIR1, IIR2, IIR19, IIV14*, IIV15

š^an [-šān] (3 pl. encl. pron.) Iv3

š^ayd, š^yyd [šāyaδ] "مناسب است، شاید" B4, D12

š^abh^a [šab-hā] "شب‌ها" Iv9

škm-grfth [šikam-griftah] "یبوست" B6*(?)

šn^as^ayⁱ [šnāsāyī] "دانش" IIR2

š^arm [šarm] "شرم" Ir2

št^lsr "16" A12. سریانی.

šwq[D16*

šwsth [šustah] "نشسته" (یا "دستمال، حوله") C2

-t, -^at [-t, -at] (2 sg. encl. pron.) IIV6, IIV8, IIV9, IIV11

tⁱ [tā] "به سوی" IIR5

t^an [-tān] 2 pl. encl. pron. (Iv7, Iv11*)

t^bh [tabah] "تب" [or t^bh-] tabhā A7

th^eδ [thēδ] "دهید" 2 pl. impv. (IIR6, Sundermann 1974: 445 n. 34.

th^aδ [thaδ] "دهد" IIR11, IIR13, IIV3, IIV16

t^rrs^an [tarsāān] "ترسایان، آن‌ها که می‌ترسند" IIR19 Lazard 1963: 173.

trymⁿ [trēmān?] "نوعی گیاه دارویی" C4. Dieter Maue: Skt. trāyamāṇa/ā- "id." Rachmati 1932: 30 (= 428), text 3, line. 77.

tryn [tarīn] "تر، نمناک، تازه" D3

trywšn (نوعی از ترکیبات) B8*

tw^a, tw[tu] "تو" IIV10, IIV12 tw^an^aδ [tuwānaδ] "تواند" IIV21

twrpl [turpil] "نوعی غله که در شرق هند می‌روید و دارای خواص ملین است" B8. NP: turbid Khot.



- tr¹, Sogd. tr ypl(?), Skt. tripuṭā → -Maue and Sims-Williams 1991: 491
- twxm [tuxm] "دانه، تخم" C6, C8*
- w- [u] "و" Ir1, Ir3, Ir4 (x2), Ir8, Ir9, Iv1 (x2), IIr1, IIr2, IIr5, IIr14, IIV6, IIV9, IIV12, IIV15, IIV17, IIV20, A3 (x2), A7*, A10 (x2), A12, A15 (x2), B2*, B4, B5*, B5, B6, B9, A2 (x2), D1, D6, D7*, D8, D9, D10, D13, C4, C7, C10
- wš¹n [wašān?] "آنها، ایشان" Iv8. Cf. 'ešā'n.
- x'n [xān] "خانه" Iv9
- x'ng'h [xāngāh] "خانه" Ir8
- xr'c(?) [xurāj] "جوش، کورک" D12*
- x¹rbwz, xrbwz [xarbūz] "خریزه" A6, A6m
- xw¹h¹δ [xwāhaδ] "خواهد" IIr16
- xw¹n¹nd [xwānand] "خوانند، فریاد کنند" IIr15*
- xwδ'h, xwd'h [xuδāh] "خدا" Iv6, Iv7, Iv9, IIr3, IIr7, IIr8, IIr16, IIr19*, IIV5
- xwlng'n [xūlangān] گیاهی که در آسیای شرقی می‌روید، ریشه‌های خوشبویی دارد و دارای خاصیتی D15* دارویی است. به عنوان چاشنی نیز به کار می‌رود
- xw¹rdny¹ [xordani] "خوردنی، غذا" IIr13
- xwstwy¹ [xustūwī] "اعتراف" IIV2
- xwzy [xūzi] "خوزی" A9
- yhwδ' "یهودا" Ir8. صورت سریانی.
- yi, -y, yi [-i] (اضافه) Ir5, Ir8, Iv3, Iv4, Iv7, Iv9, IIr16, IIr17, IIV3, IIV8, IIV10, IIV12, A2, A4, A6, A6m, A9, A10, A14, A14m, A15, B1*, B3, B3m, B5, D3(?), C2(?), C3(?), C4, C6, C8, C12. → 'az sps-yi, nyi zd-yi, pye š-yi.
- yk [yak] "یک" Ir3, Ir7
- ysryl "اسرائیل" Ir8. صورت سریانی.
- y¹st¹δn [istādan] "ایستادن" IIV21
- y¹st¹δ¹nd [istāδ-and] "ایستادند" Iv8
- y¹x [yax] "یخ" IIV19
- zmy¹ [zami] "زمین" IIr5, IIr11, IIV14
- zncbyl [zanjābīl] "زنجبیل" A12
- zw¹hr [zōhr] "زور، نیرو" IIr1.
- Sundermann 1974: 444 n. 32; Nyberg 1974: 232; Shaked 2003: 217.
- zwz "اختصار سریانی. A4, A8, A11, A13*, D1*, C6*, C11, C13, C14*." روز (واحد اندازه‌گیری) اعداد
- 3 - C11 (x2)
- 100(?) - C9
- واژه‌های ناقص (مرتب شده بر اساس پایان واژه)
- I'nydr¹ D7*
- I' A11*
- Ic B1
- Ibwδ C12
- Iδ D5*
- I'mrg A3
- nk B12*



]b•gm B7°
]mn A9
]dr D3
]r A4, A10°
]dr'ws C5
]xwš C1°
]'y'y B10°
]wzy D2
]y C3°, C9°

یادداشت‌ها
 ۱. نک. تصاویر ۱-۳؛ از مسئولین مؤسسه‌های مرتبط در برلین، که اجازه انتشار عکس‌های زیر را دادند متشکریم: MIK III/IZ (موزه هنرهای آسیایی - مجموعه هنرهای جنوب، جنوب شرقی و آسیای مرکزی، موزه ملی برلین) و ۱۵۳ SyrHT (فرهنگستان علوم براندنبورگ برلین در کتابخانه دولتی برلین، فرهنگ پروسی، گروه شرق‌شناسی) و نیز از همسر Ursula برای آماده کردن عکس‌ها، سپاسگزارم.

۲. مقایسه کنید با: Bloemendaal 1960: 85-6, 91..

۳. نک. Sundermann 1974: 448.

۴. مقایسه کنید با: زبور منتشر شده در پایان هر جلد از ویراست hudrā در Trichur (1960-62) (Darmo).

۵. برای ادامه مطلب، مقایسه کنید با: Sundermann 1974: 448-52.

۶. حروف sadhe و hth به ترتیب با <c> و <h> (به جای <ç> و <h> حرف نویسی شده است تا با کلمات semkath و he اشتباه نشوند.

۷. نک. Henning 1958: 79 و Sundermann 1974: 451. with n. 57.

۸. نک. Sims-Williams 1995: 62-3.

۹. بیشتر Müller 1915: 216.

۱۰. Sundermann 1974: 450-51. برای واکنر کردن s̄ag(hā) <s̄ag(hā)>، زوندرمان املای xlg متون مانوی را برای xalg

"خلق" عربی-فارسی به کار می‌برد.

۱۱. احتمالاً، zlamā qašya بدون یوذ (فقط در واژه "bā'β'1 بابل") برای [ē] کوتاه و [y'] آغازی بدون الف پیشین [i] فقط [i] نقش‌نمای اضافی و صورت‌های صرفی istādan ("ایستادن") برای [i] کوتاه باقی مانده است، اما نمونه‌ها اندک و نامعلوم‌اند. syāme(°) و zala zlamā pšiqā(°) تنها در متن سریانی دیده شده‌اند.

۱۲. (Ilr19) t̄rs̄ā'n [tarsā'an] موردی استثناست که در آن الف جداگانه احتمالاً برای نشان دادن دو واکه باقی مانده است.

۱۳. مقایسه کنید با: Segal 1953: 26.

۱۴. علائم قراردادی مقاله عبارت‌اند از: [xyz] = حروف کاملاً تصحیح شده است؛ (xyz) = حروف معلوم اما ناخواناست؛ (xyz) نشانه‌ها سازگار با قرائتی است که پیشنهاد شده است؛ <xyz> = حروفی که در درجه دوم اهمیت قرار داشته و کاتب اضافه کرده است؛ ... = حروف نامشخص است.

۱۵. در سراسر متن، این حرف به صورت جداگانه نوشته شده است و k پایان واژه نیست.

۱۶. در حاشیه بیرونی: "6 petgām" o pto wo.

۱۷. (r) اول بدون نقطه گذاری نوشته شده است در حالی که احتمالاً باید نقطه داشته باشد.

۱۸. نشانه‌هایی در پشت صفحه با جوهر قرمز در حاشیه بیرونی.

۱۹. در حاشیه بیرونی: "6 petgām" o pto wo.

۲۰. به جای "mm" (که در آغاز خط ۶ حذف شده، به حاشیه داخلی اضافه شده است).

۲۱. zqāpa با (-[q]) نوشته نشده است. در حالی که مولر با -tā- آوانویس کرده است.



۲۲. از آنجا که فقط در آغاز واژه â با الف نوشته می‌شود، احتمالاً باید واژه‌ای جداگانه خوانده شود.
۲۳. نقطه زیر x را ظاهراً زوندنرمان (1974: 443 n. 10) آورده است.
۲۴. فقط سه نقطه در بالای w قرار دارد، که به صورت مثلث (Δ) در آمده است، اما syāme+zqāpā واضح خوانده می‌شود.
۲۵. بالای zmrw، که حذف شده، این واژه اضافه شده است.
۲۶. نقطه بین قسمت‌های بالایی و پایینی x- احتمالاً اتفاقی است.
۲۷. پس از واژه حذف شده 'lh(m)' "نان" اضافه شده است (به علت آمدن عبارت 'yhb lhm' "نان را می‌دهد"، در زبور قبلی، اشتباه رخ داده است).
۲۸. این بخش از نوشته را زوندنرمان خوانده و اصلاح کرده است. اکنون مسلم است که نمی‌توان واژه را (cwz)g'n "بچه‌ها" خواند.
۲۹. [Sic.] با zqāpā بالای هر دو s و '.
۳۰. ضربدر حاشیه بیرونی آغاز خط اول پشت صفحه را نشان می‌دهد (ویژگی دست‌نوشته‌های مسیحی ترخان). زیر این قسمت نشانه اختصاری ommmo باقی مانده است که اشاره دارد بر اینکه زبور بعدی نخستین بخش از marmitā جدید است.
۳۱. ظاهراً تغییر یافته شکل p- است.
۳۲. به حاشیه داخلی o'p'toy'ho "18 petgāme" اضافه شده است.
۳۳. بدون شک، این واژه اشتباهاً با رنگ قرمز نوشته شده است.
۳۴. نشانه‌ای بی معنی بالای d-.
۳۵. ظاهراً اصلاح شده hdt است.
۳۶. اصلاح شده t- است.
۳۷. نقطه زیر d بسیار کم رنگ است.
۳۸. به علت مبهم بودن ریشه سریانی 'p' درست ترجمه نشده است مقایسه کنید با (Sundermann 1974: 447-8).
۳۹. همانطور که زوندنرمان (1974: 445 n. 35, 446 n. 37) اشاره کرده است، واژه 'm'kwlt' "خوردنی"، در خط قبلی، اینجا به اشتباه تکرار شده است، اما ترجمه [k](x)[w](')n'nd "که گریه می‌کند" با متن سریانی d-q'r yn مطابق است.
۴۰. ترجمه جمله آخر به اشتباه حذف شده است.
۴۱. همانطور که زوندنرمان 1974: 446 n. 39 اشاره می‌کند، مترجم مفهومی نادرست از ریشه سریانی 'yd' را به کار برده است.
۴۲. علت تکرار 'sy'ri' راضی، خشنود" مشخص نیست. مقایسه کنید با (Sundermann 1974: 446n. 40).
۴۳. ترجمه فارسی اشاره دارد بر اینکه "rpl" مه "قرائت سریانی شرقی واژه باید در متن سریانی خط ۱۶ به جای glyd" "بخ" به کار برده شود و بر اساس متن سریانی غربی اصلاح شود نک. Sundermann 1974: 447 n. 41.
۴۴. هر دو قطعه در فرهنگستان علوم براندنبرگ برلین نگهداری می‌شود. عکس‌های رنگی با شماره‌های M7340 و n175 در وبسایت‌های زیر وجود دارد:
- http://www.bbaw.de/forschung/turfanforschung/dta/m/dta_m_0076.html
- http://www.bbaw.de/forschung/turfanforschung/dta/n/dta_n0005.html
- از این فرصت استفاده و اقرار می‌کنم که این قطعات داروشناختی را چند سال پیش در گروه زوندنرمان خوانده‌ام. ایشان اولین کسی بودند که بسیاری از ترجمه‌ها را، که اینجا آورده‌ام، نوشتند. متأسفانه من در یادداشت‌های خود دقیقاً اشاره نکرده‌ام که کدام پانوش از ایشان و کدام از آن من است.
۴۵. Boyce 1960: 13 پیش از او Henning 1958: 79.
۴۶. صورت دارای γ- آغازی کاملاً سغدی است درحالی که این صورت با g- آغازی تقریباً فارسی شده است.
۴۷. برای جدول این نشانه عددی نک: Budge 1913, I: 446 (که با عنوان 'twt' dsymwn «خصوصیت شمعون» شناخته می‌شود). همان Brock and Taylor 2001: 59, II: 525.
۴۸. فقط در B12، امکان هرگونه تصحیح [s) وجود دارد.

- ۴۹ گونه دیگر 119-20 Maróth 1984. برای کاربرد خون خفاش در جلوگیری از رشد مو نگاه کنید به Budge 1913, II: 691.
- ۵۰ یا [qūlin]? این مورد را زوندرمان پیش تر خوانده است (۱۹۷۴: ۴۵۱).
- ۵۱ این صورت احتمالاً rwyyny MMP در واژه نامه قطعه ای که هنینگ منتشر کرده، معرفی شده است (1940: 46-7, fragment o, line 5). معادل سغدی آن rwdnyy احتمالاً صفتی است به معنی "ساخته شده از روی".
- ۵۲ کل صفحه، به جز حواشی و برخی نقطه گذاری ها.
- ۵۳ d در واژه wqdr و r در واژه پایین یک نقطه واحد دارند.
- ۵۴ درون حاشیه در دو خط: ... rwdnyy-|...xrbwz ...
- ۵۵ با- ی آغازی [sic].
- ۵۶ احتمالاً به صورت m'n تصحیح می شود. نقطه پایینی از بین رفته، زیرا کاغذ از همین قسمت پاره شده است.
- ۵۷ درون حاشیه در دو خط: ... rwdnyy...cmfr's
- ۵۸ خطوط ۱-۲ و حواشی با جوهر سیاه، خطوط ۳-۱۲ کاملاً با جوهر قرمز بدون نقطه گذاری ها.
- ۵۹ احتمالاً بر اساس خط ۴ به wqwlncr تصحیح می شود.
- ۶۰ احتمالاً m'lycr
- ۶۱ درون حاشیه در دو خط: ... rwy'ny | ... rwdnyy
- ۶۲ نقطه ای که انتظار می رفت زیر d اول باشد، اشتباهاً زیر r گذاشته شده است (در بالا، نقطه صحیح گذاشته شده است).
- ۶۳ یا [ryn] (s) «20»
- ۶۴ حرف افتاده احتمالاً الف نیست. بسیاری از حروف مشخص اند.
- ۶۵ احتمالاً هیچ حرفی در آغاز نیفتاده است.
- ۶۶ لفظاً «برای آن هایی که (kē) وجود دارد (buwāō) ... kbwd قطعاً برای "آبی" آمده است.
- ۶۷ از آنجا که "gōlī حب/قرص" (در D11) ظاهراً مناسب با متن نیست، gwly را اینجا به معنی gul-i "گل" (بنابر آنچه شاول شاکد (Shaul Shaked) پیشنهاد کرده است) به کار بردم. نقطه گذاری پس از نقش نمای اضافه تا حدی شگفت انگیز است، اما پیش از این نیز نمونه هایی این چنین در D3 و C2 دیده شده است.
- ۶۸ برای ساختار "ān-ī" آن نک. Shaked 2003: 208.

کتابنامه

- Benveniste, É. 1938. "Sur un fragment d'un psautier syro-persan", *Journal Asiatique*, 230, 458-62.
- Bloemendaal, W. 1960. *The Headings of the Psalms in the East Syrian Church*. Leiden.
- Boyce, M. 1960. *A Catalogue of the Iranian Manuscripts in Manichean Script in the German Turfan Collection*. Berlin.
- Brock, S. P. and D. G. K. Taylor. 2001. *The Hidden Pearl, I*. Rome.
- Budge, E. A. W. 1913. *Syrian Anatomy, Pathology and Therapeutics or "The Book of Medicines"*, I-II. London.
- Ciancaglini, C. A. 2008. *Iranian Loanwords in Syriac*. Wiesbaden.
- Darmo, T. 1960-1962. *Ktābā da-Qdām wad-Bātar wad-Hudrā wad-Kāskol wad-Gazzā w-Qālā d-'Udrāne 'am Ktābā d-Mazmure*, I-III. Trichur.
- Henning, W. B. 1940. *Sogdica*. London.
- Henning, W. B. 1958. "Mitteliranisch", *Handbuch der Orientalistik* (ed. B. Spuler), I/ IV/1. Leiden and Cologne, 20-130.
- Henning, W. B. 1965. "A grain of mustard", *Annali dell' Istituto Universitario Orientale di Napoli, Sezione linguistica*, VI, 29-47.
- Lazard, G. 1963. *La langue des plus anciens monuments de la prose persane*. Paris.

- MacKenzie, D. N. 1968. "An early Jewish-Persian argument", BSOAS, 31/2, 249-69.
- Maggi, M. 2003. "New Persian glosses in East Syriac texts of the eighth to tenth centuries", in Paul 2003, 111-45.
- Maróth, M. 1984. "Ein Fragment eines syrischen pharmazeutischen Rezeptbuches aus Turfan", AoF, 11/1, 115-25.
- Maue, D. and N. Sims-Williams. 1991. "Eine sanskrit-sogdische Bilingue in Brāhmī", BSOAS, 54/3, 486-95.
- Müller, F. W. K. 1915. "Ein syrisch-neupersisches Psalmenbruchstück aus Chinesisch-Turkistan", Festschrift Eduard Sachau zum siebzigsten Geburtstage gewidmet von Freunden und Schülern (ed. G. Weil). Berlin, 215-22.
- Nyberg, H. S. 1974. A Manual of Pahlavi, Part II. Wiesbaden.
- Paul, L. (ed.) 2003. Persian origins - Early Judaeo-Persian and the Emergence of New Persian. Wiesbaden.
- Rachmati, G. R. 1932. "Zur Heilkunde der Uiguren II", SPAW, phil.-hist. Kl., 1932, 401-48.
- Salemann, C. 1895. Abdulqâdiri Bağdâdensis Lexicon Šahnâmianum, I/1. St Petersburg.
- Schaefer, H. H. 1935. "Beiträge zur iranischen Sprachgeschichte", Ungarische Jahrbücher, 15, 560-88.
- Segal, J. B. 1953. The Diacritical Point and the Accents in Syriac. London.
- Shaked, S. 2003. "Early Judaeo-Persian texts with notes on a commentary to Genesis", in Paul 2003, 195-219.
- Sims-Williams, N. 1985. The Christian Sogdian Manuscript C2 (Berliner Turfantexte, XII). Berlin.
- Sims-Williams, N. 1995. "Christian Sogdian texts from the Nachlass of Olaf Hansen, I: Fragments of the Life of Serapion", BSOAS, 58, 50-68.
- Sundermann, W. 1974. "Einige Bemerkungen zum syrisch-neupersischen Psalmenbruchstü [c] k aus Chinesisch-Turkistan", Mémoires Jean de Menasce (ed. Ph. Gignoux and A. Tafazzoli). Louvain, 441-52.
- Wolff, F. 1935. Glossar zu Firdosis Schahname. Berlin.